آینه

جمهوری اسلامی

سرمقاله: «تحلیل سیاسی هفته»

ماجرای انتشار خبر نصب شنود و دستگاه مخفی فیلمبرداری در دفتر کار دکتر علی مطهری نماینده منتقد مجلس، بازتاب گسترده‌ای در جامعه داشت. افکار عمومی، یکپارچه این حرکت را تقبیح کرده و آن را خلاف قانون خوانده و خواستار پیگرد عاملان این تخلف شرم‌آور شد... اینکه علی‌رغم گذشت چند روز تاکنون عاملان این واقعه خلاف قانون معرفی نشده و مثل بسیاری دیگر از پرونده‌های حساس، شامل مرور زمان می‌گردد، باعث شرمساری است که فقط باید به‌خاطر آن تاسف خورد.

بهار

یادداشت: «عارف، انتخاب استراتژیک روحانی»؛ ناصر هادیان

انتخاب آقای محمدرضا عارف به‌عنوان معاون اول ریاست‌جمهوری به دلایل متعدد مطلوب و ضروری است. انتخاب ایشان نه‌تنها قوت نقش رهبری ائتلاف از جانب آقای روحانی را نشان می‌دهد بلکه بدنه اجتماعی - سیاسی که در پیروزی وی نقش انکارناپذیری داشتند را نیز مستحکم‌تر می‌کند. این همان سرمایه‌ای است که حل مشکلات داخلی و بین‌المللی ایران امروز بدون آن قابل تصور نیست. آقای محمدرضا عارف با تمکین به ائتلاف اصلاح‌طلبان و با انصراف تاریخی نقش مهمی در پیروزی ائتلاف اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان داشت و انکار آن نه سنخیتی با واقعیت دارد و نه دستاوردی برای آینده... آقای عارف به‌عنوان یک نیروی کارآمد باسابقه و باتجربه در این پست از حمایت بالایی در میان مردم و گروه‌های سیاسی برخوردار است و مسوولان نظام نیز با این انتخاب مخالفتی نخواهند داشت زیرا او یک چهره محترم، معتدل اصلاح‌طلب و دلسوز نظام است که توانایی تعامل با دیگر جریان‌های سیاسی را دارد. از این‌رو انتخاب آقای عارف یک انتخاب استراتژیک خواهد بود.

اعتماد

سرمقاله: «یک اتفاق حسابداری»؛ سعید لیلاز

هرچه تعداد طرح‌ها و لوایح دوفوریتی و سه‌فوریتی بیشتر باشد، نشان‌دهنده جهل بیشتر نمایندگان و ارایه‌دهندگان طرح است... این بدهی ۷۴هزارمیلیاردتومانی در سنوات گذشته ایجاد شده و چیزی نیست که دولت بخواهد اجازه‌اش را برای آینده از مجلس شورای اسلامی بگیرد. مثل بقیه طرح‌ها و لوایح در دوره هشت‌ساله ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد است. خود مجلس چه مجلس قبلی و چه مجلس فعلی شریک جرم این اتفاق هستند... درباره اتفاق ارزی نیز همین‌طور است. تا آنجایی که اطلاع دارم فقط یک حادثه حسابداری است که دولت از یک طرف ارز فروخته‌شده به بانک مرکزی را به‌جای هزارو۲۰۰تومان، دوهزارو۵۰۰تومان حساب می‌کرده است. از طرف دیگر نیز بدهی‌ای که قبلا ایجاد شده بود را با بانک مرکزی تهاتر می‌کرد... ممکن است گفته شود که از نظر سیاسی به‌نفع دولت آقای احمدی‌نژاد است که بدهی صفر را تحویل آقای روحانی می‌دهد. استدلال مقابل هم این است که آقای روحانی هم با بدهی صفر ریاست‌جمهوری خود را آغاز می‌کند.

کیهان

سرمقاله: «مهندسی اولویت‌ها!»؛ حسام‌الدین برومند

حرکت تکراری بر مدار به‌اصطلاح توسعه سیاسی و ژست تحرکات به‌اصطلاح فرهنگی و اجتماعی پروژه‌ای است که به‌دنبال مهندسی کردن اولویت‌های دولت یازدهم است و قطعا در این میان حل مشکلات اقتصادی، اولویت آن طیفی که به‌دنبال منافع حزبی و سیاسی خودش است، نمی‌باشد... تمرکز بر اولویت اقتصادی و طرد حاشیه‌سازی‌ها و دوری از افراطیون فتنه‌گر هم با گفتمان اعتدال - به‌عنوان گفتمان دولت یازدهم- همخوانی خواهد داشت و هم اینکه به مدعیان اصلاحات مجال نمی‌دهد تا از دولت آقای روحانی برای بازگشت به رادیکالیسم سیاسی، سوءاستفاده کنند.

رسالت

سرمقاله: «نقد دولت»؛ مصطفی میرسلیم

شایسته است برای نقد عالمانه و دلسوزانه فعالیت‌های دولت و شکوفایی نقاط مثبت و تقویت آنها و نیز به انجام مطلوب رساندن آنچه تکمیل نشده و بالاخره عبرت گرفتن از آنچه ضعیف و ناموفق بوده است، گروه خبره‌ای با همکاری دولت و دستگاه‌های برنامه‌ریزی و نظارتی زیر نظر مجلس شورای اسلامی، ماموریت یابند با عنوانی شبیه تحقیق و تفحص هرچه سریع‌تر به چنان ارزیابی عالمانه و انتقادی مبادرت ورزند.

ایران

یادداشت: «همه تقصیرهای احمدی‌نژاد»؛ خسرو معتضد

بسیاری از دولتمردان بزرگ و خدمتگزار ایران در پایان دوران حکومت خود، دچار ناسپاسان و نمامان و فرصت‌طلبان شده‌اند. سرنوشت قائم‌مقام فراهانی و میرزا تقی‌خان امیرکبیر را به خاطر داشته باشیم که مربوط به عصر استبداد و استعمار است و در عصر انقلاب آن فرجام‌ها تکرارشدنی نیست. به یاد آوریم که قوام‌السلطنه، با تدبیر و کیاست، آذربایجان و کردستان را از کام خرس شوروی بیرون کشید ولی خانه‌اش را آتش زدند. به یاد آوریم که مصدق نفت را با چه تلاش و مرارتی و در راس نهضتی ملی و جوشنده، ملی کرد و خانه خودش و پسرش ویران شد اما امروز در آستانه روی کار آمدن دولت منتخب، من و امثالهم می‌دانیم که احمدی‌نژاد مردمی و برخاسته از طبقات جامعه، تمام تلاش خود را به کار برد ولی اگر موفق نشد به تمام اهداف خود برسد بدان دلیل بود که جهانخواران میل وافر دارند که ایران به روزهای پیش از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بازگردد و دولتی مطیع، دست‌نشانده، گوش به فرمان و نظامی که هر آنچه امریکا و انگلیس فرمان دهد اجرا کند، بر سر کار آید و به همین دلیل آنقدر مانع‌تراشی، سد و رادع‌سازی می‌کنند که ایران را به حالت نیمه‌مستعمره عصر پیش از انقلاب بازگردانند.

مروری بر مکاتبات روسای جمهوری ایران و عراق در سالگرد پذیرش قطعنامه ۵۹۸

کارزار دیپلماتیک هاشمی و صدام

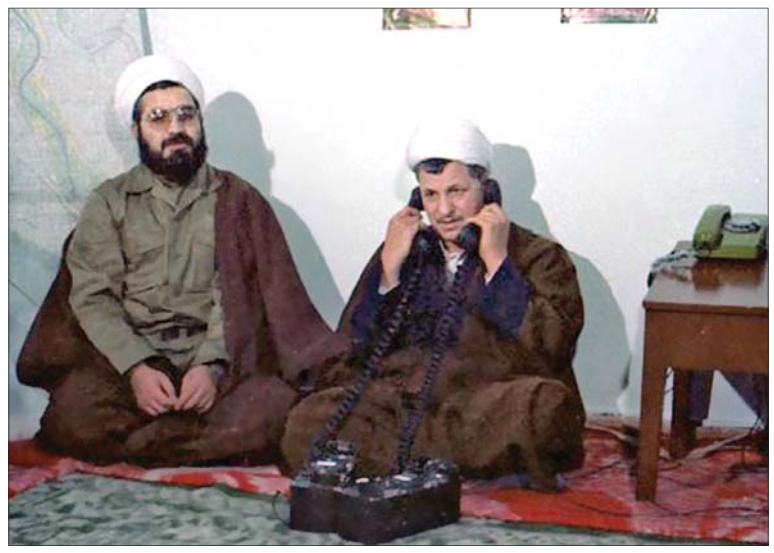

قطعنامه ۵۹۸ برای بسیاری چه ایرانی و چه «انیرانی»، یادآور پایان طولانی‌ترین جنگ متعارف قرن بیستم، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است. از جنبه حقوقی احتمالا تا حدود زیادی وزن این قطعنامه با برداشت اکثر ما از آن به‌عنوان نقطه پایان جنگ منطبق است. اما در این میان نباید نکاتی را فراموش کرد. اینکه اجرایی‌شدن قطعنامه ۵۹۸ برخلاف ترتیبات پیش‌بینی‌شده‌ای مثل طرح اجرایی دبیرکل سازمان‌ملل، هرگز عملیاتی نشد. طرحی که قرار بود بر مبنای آن قطعنامه در کل و مجموعا پذیرفته شود و اینکه هیچ بندی از بندهای قطعنامه بر دیگری ارجحیت و تقدم نداشته باشد. براساس این طرح، در روز آتش‌بس کار هیات بی‌طرف مسوولیت منازعه نیز شروع می‌شود. از تاریخ معینی از شروع بررسی بعد از آتش‌بس، عقب‌نشینی نیروها نیز شروع می‌شود. نکته بعدی اینکه به هر صورت در قطعنامه مشخص نبود که چنانچه کمیته تشکیل شود و نظر خود را در مورد شناسایی متجاوز اعلام کند چه تاثیری در اجرای قطعنامه خواهد داشت و با متجاوز چه رفتاری خواهد شد. سوالی که پرسش‌های بی‌پایان درباره اثرات حقوقی و سیاسی تعیین متجاوز را همچنان معتبر نگه می‌دارد. سوالی که حتی می‌توان درمورد دشواری «غرامت»ها هنوز روی آن تاکید کرد. قطعنامه ۵۹۸ با فاصله تقریبا ۱۰ماهه از قطعنامه قبلی- قطعنامه ۵۸۸ که به هیچ‌وجه مورد قبول ایران نبود- صادر شد و در ماه‌های پس از صدورش، تنها توانست موضع «نه رد نه قبول» ایران را به دست بیاورد. تا اینکه در۲۶تیر۱۳۶۷ سفیر ایران در سازمان‌ملل نامه رییس‌جمهوری وقت، آیت‌الله خامنه‌ای را خطاب به دبیرکل سازمان‌ملل برای وی ارسال و از او درخواست کرد که به عنوان سند شورای امنیت منتشر شود و به‌این ترتیب، ایران رسما قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت. اما اجرای قطعنامه، برخلاف ترتیبات پیش‌بینی‌شده کمیسیون‌های درگیر و تعهدات دبیرکل، برای عملی‌کردن طرح اجرایی مورد نظرش، تا تابستان ۱۳۶۹ معطل ماند.

پذیرش قطعنامه از سوی ایران و پیمان‌شکنی عراق

قرعه اجرای قطعنامه به نامه‌نگاری‌های«صدام حسین» و رییس‌جمهور وقت ایران «هاشمی‌رفسنجانی» افتاد؛ در فاصله میان امضای قطعنامه ۵۹۸ یعنی شهریور۱۳۶۷ تا مرداد ۱۳۶۹، بسیاری از مسایل اصلی مربوط به جنگ، از جمله تبادل اسرا و پذیرش معاهده ۱۹۷۵ که مبنای تعیین حدود مرزی ایران و عراق بود، حل‌نشده باقی مانده بود. عبور از وضعیت «نه جنگ نه صلح»، مهم‌ترین دستور کار سیاسی ایران پس از امضای قطعنامه بود. رفسنجانی در مقدمه کتاب«متن نامه‌های مبادله‌شده بین روسای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق ۱۳۶۹» می‌نویسد: «فشار زیادی از سوی قرارگاه‌ها برای کسب اجازه انجام عملیات و از بین بردن پیروزی‌هایی که عراقی‌ها به دست آورده بودند وجود داشت، ولی امام موافق نبودند و اجازه نمی‌دادند و تنها در حد دفاع اجازه داده شد.» در کنار وضعیت مبهم امنیتی که بر مرزهای غربی- جنوبی حکمفرما بود، ارتش عراق درست سه روز پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران، تهاجم مجدد و گسترده خود را در سحرگاه روز جمعه ۳۱تیر۱۳۶۷آغاز نمود و از دو محور کوشک و شلمچه در جنوب استان خوزستان، پیشروی به داخل خاک ایران را آغاز کرد. عملیاتی که هدفش اسیرکردن و به قولی «گروگان‌گرفتن» نیروهای ایرانی برای ایجاد موقعیت چانه‌زنی صدام بر سر آزادی احتمالی اسرا بود. در ادامه این پیمان‌شکنی‌ها، در دوره پس از پذیرش آتش‌بس از سوی ایران، عراق اقدام به بمباران تاسیسات و ساختمان‌های نیروگاه اتمی بوشهر کرد و با ۱۲جنگنده میراژ، ۲۳بمب روی ساختمان‌های نیروگاه فرو ریخت که به‌طورکلی ویران شد. نهایتا با ناکامی عراق در تهاجم مجدد به ایران و با شکست حمله منافقین در عملیات مرصاد، دولت عراق مجبور شد تا حدود یک ماه پس از پذیرش قطعنامه از سوی ایران، در روز ۲۸ مرداد سال ۱۳۶۷ آتش‌بس را بپذیرد. عراق اعلام کرد گرچه قطعنامه را پذیرفته ولی برای برقراری آتش‌بس، ایران باید اروندرود را به عراق تحویل دهد. در این فاصله، متحدان عرب صدام به ویژه کویت می‌دیدند که یک سالی از پایان جنگ میان صدام با ایران گذشته است و انبوه بدهی‌های صدام، وضعیت روشنی پیدا نمی‌کند و تدریجا ندای گرفتن طلب‌های خود را بلند کردند. صدام که در توهم هدایت جنگ نیابتی از سوی اعراب علیه ایران بود، انتظار چنین درخواست‌هایی را نداشت و پیش از اینکه به حساب‌های خود با کویت رسیدگی کند، ترجیح داد با شروع یک ابتکار دیپلماتیک «نامه‌نگاری» با سران جمهوری اسلامی، وضعیت مرزهای شرقی‌اش را حل‌وفصل کند و بعد به سراغ دومین پروژه جنگ افروزی‌اش برود. از این رو در اردیبهشت ۱۳۶۹، مکاتباتی را با مسوولان ایرانی آغاز می‌کند.

نوشتار زیر بررسی شش نامه صدام حسین و چهار پاسخ همپای ایرانی او «هاشمی‌رفسنجانی» است. لحن نامه‌های رییس‌جمهوری ایران، سراسر بی‌اعتمادی به طرف مدعی مصالحه [صدام] و یادآوری‌های گاه نیش‌دار ماهیت آتشی است که او افروخته؛ تمسخر پنهان ادعاهای سردار قادسیه، قهرمان جنگ عرب و عجم، آلت‌دست‌بودن و دعا برای هدایت او و گاه تمسخر، بی‌محلی و فراموشی عمدی درخواست صدام طی پاسخ‌های نه‌چندان روشن طرف ایرانی به درخواست عالی‌ترین مقام عراقی نشان از فرصتی دارد که طرف ایرانی می‌خواهد حداقل در کلام هم، نوعی موازنه شفاهی سیاسی بسازد و برای ثبت در تاریخ، آغازگری جنگ را نشان دهد. موازنه‌ای کلامی که گاه طرف عراقی با درک نکوهش پنهان آن نمی‌تواند از آن بگذرد و درنامه‌های بعدی به گزند این اشاره‌ها، اعتراض می‌کند.

پایان گلوله، آغاز نامه

صدام حسین اولین نامه خود را به تاریخ دوم اردیبهشت ۱۳۶۹خطاب به رهبری و ریاست‌جمهوری ایران می‌نویسد. نامه از طریق فرد شناخته‌شده‌ای به همراه نامه‌ای از یاسر عرفات، رییس سازمان آزادی‌بخش فلسطین، به مقامات ایرانی تسلیم می‌شود. نامه‌ای که در ابتدا تردیدهای بسیاری درباب صحت و سقم آن مطرح می‌شود. تا در جلسه‌ای با حضور سران در خصوص نحوه پاسخ به صدام تصمیم‌گیری شود.

صدام در این نامه نوشته‌بود:«... اینک... بدون تکرار دیدگاه‌های قبلی خود که می‌تواند موجب طرح متقابل دیدگاه‌های شما شده و بحث را از محدوده و اهداف سازنده خویش دور نموده و به سوی جدلی سوق دهد که در آن، عوامل اختلاف نمایان گردد و برای اینکه چنین وضعی بر توافق مورد علاقه ما در زمینه تحقق صلح قابل‌اجرا، فراگیر، فوری، به خواست خدا نه‌تنها میان ایران و عراق بلکه میان امت عرب و ایران فایق نیاید، این بار مستقیما شما را مخاطب قرار داده تا در این ماه مبارک که مسلمانان روزه‌دارند و به سوی نیل به رضای خدای سبحان و متعال روی می‌آورند، پیشنهاد کنم ملاقات مستقیمی بین ما صورت گیرد که در آن از سوی ما، بنده خدا، فرستنده این نامه و آقای عزت ابراهیم به همراه مجموعه‌ای از دستیاران خودمان و از سوی شما آقایان علی خامنه‌ای و هاشمی‌رفسنجانی به همراه گروهی از دستیاران شما شرکت کنند.»

صدام در این نامه محل ملاقات مستقیم را مکه و زمان آن را نیز روز دوم عید فطر پیشنهاد می‌کند.

مقامات ایرانی بعد از دریافت نامه با مورد توجه قراردادن، اعتبار حامل نامه و صحت نامه فرستاده‌شده، تشکیل جلسه می‌دهند. رییس‌جمهور ایران پس از ۱۰روز نامه را اینچنین پاسخ می‌دهد:

«جناب آقای صدام حسین

نامه مورخ ۲۶رمضان المبارک ۱۴۱۰ شما را دیدم؛ براستی اگر مطالبی که در نامه آمده، هشت سال پیش مورد توجه واقع می‌شد و ارسال نامه جای اعزام سرباز را می‌گرفت، امروز دو کشور ایران و عراق و شاید امت اسلامی با این همه خسارات و ضایعات مواجه نبود... . اگر همه دولت‌های منطقه عربی همان‌طور که بعضی از آنها عمل کردند، قدر این انقلاب ضدصهیونیستی و ضداستکباری را شناخته، با آن همکاری می‌کردند، اکنون معادله قدرت در خاورمیانه به سود اسلام و مسلمین می‌بود و اسراییل و استکبار، این‌گونه فرصت بسط وجود و توسعه شرارت را نمی‌یافتند. البته ما با امت عرب مشکلی نداریم و از همکاری صادقانه بعضی از دول عربی بهره برده‌ایم. افسوس که فرصت تاریخی در ۱۰سال گذشته از کف رفته است. در همان آغاز انقلاب اسلامی جنگی ناخواسته و ویرانگر بر ما تحمیل شد و بخش بزرگی از سرزمین ما در مرزهای غربی کشور اشغال گردید و بخش عظیمی از سرمایه‌های انسانی و اقتصادی و نظامی دو ملت بزرگ ایران و عراق که باید در راه مبارزه با کفر و الحاد به کار گرفته می‌شد، از میان رفت.»

> **صدام خطاب به هاشمی با این تصمیم ما، دیگر همه چیز روشن شده و به این ترتیب همه آنچه را که می‌خواستید و بر آن تکیه می‌کردید تحقق می‌یابد و دیگر اقدامی جز مبادله اسناد باقی نمی‌ماند تا با هم از موضع مسوولیت، نظاره‌گر واقعی حیات جدیدی سرشار از تعاون در سایه اصول اسلام باشیم**

هاشمی در فرازهای اولیه پاسخ خود به اولین نامه، صراحتا به صدام یادآوری می‌کند که آغازگر جنگ بوده است. اهمیت این یادآوری در این است که دراین دوره علیرغم درخواست موکد ایران برای شناسایی آغازگر جنگ، سازمان‌ملل هنوز عراق را به‌عنوان آغازگر جنگ معرفی نکرده است. در این پاراگراف نیز کاربرد «دوران دفاع» دالی موکد بر متجاوزبودن صدام حسین است. از سویی نگارنده ادامه وضعیت نه جنگ نه صلح را غیرممکن و در هشداری پنهان ادامه این وضعیت را در تقابل با اعتماد ملت ایران به جمهوری اسلامی می‌داند.

دومین نامه صدام: تقاضای صلح با گلایه‌های جنگی

رییس‌جمهور وقت عراق در دومین نامه و در واقع در پاسخ به اولین جواب رسمی ایران در این نامه نگاری‌ها، می‌نویسد:

«نامه مورخ ۶شوال ۱۴۱۰شما را دریافت کردم و بیش از یک بار توسط من و برادرانم در کادر رهبری عراق مطالعه شد. گرچه برداشت ما از نامه مزبور این بود که شما با پیشنهاد ما در زمینه برگزاری ملاقاتی درسطح سران برای حل و فصل قاطع و نهایی مشکلات موجود بین دو کشور که علت کشمکش یا نتیجه آن بوده موافقت دارید و ما از این امر خوشحال شدیم، ولی روح پیام شما آنچنان که ما امیدوار بودیم نبود، زیرا مقدمه پیام در هرجا که فرصتی دست داده، شامل عبارت‌های دوپهلو و پایان آن، خشن بوده است.»

پاسخ ایران به اولین نامه صدام حاوی نکاتی است که موجب گله مجدد صدام از طرف ایرانی‌اش می‌شود. با این حال صدام به واسطه شرایط حساس کشورش و عجله‌ای که برای حل‌وفصل موضوع دارد با زبانی کند، گله‌هایی را مطرح می‌کند. در این نامه صدام می‌پرسد چرا رییس‌جمهور ایران از عباراتی همچون«جنگ تحمیلی» و«کندذهنی» استفاده کرده است و چرا به‌جای کاربرد جمله معمول و متداول«والسلام علیکم» ازجمله«والسلام من اتبع الهدی» استفاده کرده است و تاکید می‌کند که به واسطه دلایل ایمانی و جایگاه صلح از مفاهیم و اصطلاحاتی استفاده کرده است که با معیارهای انسانی و اهداف والایش سازگاری داشته باشند.

در قسمت پایانی نامه، صدام به عدم‌پاسخگویی صریح طرف ایرانی در مورد مکان احتمالی برگزاری نشست اشاره می‌کند: «در مورد محل ملاقات سران، ما همچنان در انتظار پیشنهاد شما هستیم. زیرا در پاسخ شما نظر قاطعی در مورد محل پیشنهادی ما که مکه مکرمه است نیافتیم...» صدام با تاکید در مورد اینکه چه کسانی در جلسه سران حضور یابند، نیز به صرافت می‌افتد و با اظهار امیدواری می‌نویسد: «ما همچنان معتقدیم که اگر شما عملا ایده ملاقات درسطح سران را پذیرفته و برای تحقق آن با ما با توکل بر خدا مصمم شده‌اید، جلسه درسطح سران باید دربرگیرنده مراجع اصلی تصمیم‌گیری در دو کشور باشد... . به همین جهت پایبندی خود را به پیشنهادمان مبنی بر اینکه در ملاقات سران از طرف ما رییس شورای انقلاب، رییس‌جمهوری و نایب‌رییس شورای فرماندهی انقلاب و از طرف ایران آقایان علی خامنه‌ای و علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی حضور داشته باشند، یک‌بار دیگر تکرار می‌کنیم»

رییس‌جمهور ایران برای دومین‌بار جواب نامه صدام حسین را با عبارات زیر می‌دهد:

«نامه دوم مورخ ۲۹اردیبهشت ماه ۱۳۶۹هجری شمسی (۲۴شوال هجری قمری) شما را دریافت کردیم. چون احتمال جدی‌بودن دولت شما در راه صلح در حد قابل توجهی از نامه برمی‌آید، جواب نامه دوم را هم می‌دهیم، ولی انتظار داریم بعد از این، وقت را با مبادله نامه‌ها تلف نکنیم، مگر در موارد ضروری و دو ملت و مردم منطقه تحت تاثیر حالت نه جنگ نه صلح، بیش از این رنج و خسارت نبینند و دعا می‌کنیم که این آخرین نامه باشد و شاهد گام‌های جدی عملی در راه صلح‌باشیم.»

رییس‌جمهوری ایران با توضیح بیجا بودن گله طرف عراقی از لحن نامه، می‌نویسد که ما هم از اینکه در مکاتبات صلح مطالب رنجش‌آور مطرح شود راضی نیستیم، ولی متاسفانه سنگ بنای این بنا در اولین نامه شما[صدام حسین] گذاشته شده است. هاشمی می‌نویسد:

«در نامه اول به گونه‌ای ادعا شده بود که گویا طرف ما «امت عرب» است، چیزی که در طول جنگ برای جاانداختن آن تلاش‌های فراوان بی‌نتیجه‌ای به کار رفت. خود شما و حزب شما آن روزها که از موضع جریان پیشرو و جبهه مقابله حرف می‌زدید گفته‌اید که افرادی مثل بعضی از ملوک و شیوخ و امرایی که در طول جنگ پشت سر شما بودند،«امت عرب» نیستند و به اندازه کافی در افشای ماهیت آنها گفته و نوشته و اسناد گویا به‌جا گذاشته‌اید.

... و نیز در نامه اول از موضع متولی امور فلسطین و فلسطینیان و نیروهای مقاوم در مقابل تهاجم امپریالیسم مورد دعوت قرار گرفته بودیم، با اینکه تهیه‌کنندگان نامه بعید است که از دلسوزی و پیشتازی جمهوری اسلامی نسبت به این مساله آگاه نبوده باشند...

علاوه بر این در نامه شما آداب معمول در مکاتبات رسمی و رایج رعایت نشده، عبارات و تعبیرات حاوی نکات منفی و رنجش‌آور دیگری نیز از قبیل آنچه در نامه ما خرده‌گیری شده در مکتوب اول و دوم شما موجود است، که بهتر است بگذاریم و بگذریم و اگر شما باب گله را نگشوده بودید، همین‌ها را هم نمی‌نوشتیم، زیرا اکنون به صلح می‌اندیشیم.»

رییس‌جمهوری ایران در مورد حضور سران جمهوری اسلامی در ملاقات پیشنهادی صدام می‌نویسد:

«... خوب است از هم‌اکنون روشن باشد که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام ولایت امر انقلاب اسلامی، در مذاکرات شرکت نخواهند کرد، البته رییس‌جمهور و سایر مسوولان برخلاف نظر رهبری اقدامی نمی‌کنند و در مسایل مهم با کسب نظر رهبری اقدام می‌نمایند. و در این موضوع هم اگر رییس‌جمهور در مذاکرات شرکت کند، قطعا با اختیارات کامل خواهد بود که تصمیمات مطمئنا اجرا خواهد شد...»

رییس‌جمهور ایران با مقایسه شرایط عقب‌نشینی نیروهای عراقی پس از فتح خرمشهر و عقب‌نشینی نیروهای ایرانی پس از فاو، مجددا هم بر متجاوز بودن صدام و هم بر تحت اشغال بودن ایران پس از فتح خرمشهر دست می‌گذارد و اتهام ادامه جنگ توسط ایران را با بیان این نکته که، قسمت‌هایی از سرزمین ما در اشغال ارتش عراق بود و در چنین شرایطی پذیرش صلح چه معنایی می‌تواند داشته باشد، رد می‌کند.

سومین نامه صدام: نامه‌ای بی‌پاسخ

صدام بار دیگر برای سومین‌بار در نامه‌ای که کوتاه‌ترین نامه در میان شش نامه فرستاده شده بوده است، به‌صورت بسیار خلاصه با فاصله‌گیری از ادبیات نامه‌های پیشین اینچنین‌می‌نویسد:

«سلام‌علیکم،

جهت تسریع در راه صلح، تمایل خودم را در فرستادن نماینده‌ای از طرف ما به سوی شما جهت رویارویی و بحث در مورد استقرار صلح بین دو کشور و استفسار از نظریات شما نسبت به هرآنچه اجرای صلح را در عراق و ایران تسهیل نماید، اعلام می‌نمایم.

طبق نظر شما این دیدار می‌تواند علنی یا محرمانه باشد.»

این نامه صدام پاسخی را از طرف ایران به‌همراه ندارد و صدام مجددا دست به ارسال نامه دیگری می‌زند.

چهارمین نامه صدام: نامه متناقض

در چهارمین نامه، از سویی صدام سعی دارد باز بر اراده به صلح خود تاکید کند اما همزمان بحث اروندرود را با منطقی مطرح می‌کند که با همان، جنگ را آغاز کرده بود. در بند چهارم پیشنهاد بر عقب‌نشینی دوماهه از تاریخ تصویب توافقنامه بین طرفین می‌دهد و حتی تاکید می‌کند هرچه کوتاه‌تر باشد، بهتر است. برای اولین‌بار موضوع اسرا را مطرح و پایبندی خود را به قراردادهای ژنو اعلام می‌کند. اما در بند شش، باز به سراغ ادعاهای قبلی‌اش می‌رود و در مورد شط‌العرب می‌نویسد:

«حاکمیت کامل بر رودخانه متعلق به عراق باشد، زیرا که حق تاریخی و مشروع آن است.»

در بند دوازده این نامه نیز صدام سعی می‌کند با طرح تقسیم مشترک کمک‌های بین‌المللی به بازسازی دو کشور«تقسیم بالمناصفه بین ایران و عراق» از اتهام آغازگری جنگ‌بگریزد.

این‌بار نیز رییس‌جمهوری ایران به دلیل موضوعیت‌نداشتن پیشنهادهای عراق خاصه در مورد اروندرود و کمک‌های بین‌المللی جوابی به نامه نمی‌دهد.

نامه پنجم: دشمنان جدید صدام و اتمام حجت ایران

اما صدام نامه پنجم را با یادآوری شرایط دشوار منطقه‌ای و تهدیدات متحدان سابق و دشمنان جدیدش می‌فرستد. این‌بار اما نامه جواب ایران را به‌همراه دارد. رییس‌جمهور وقت ایران در ابتدای نامه می‌نویسد:

«نامه مورخه ۶۹/۵/۱۲شما دریافت شد؛ با اینکه اصل نامه علی‌الظاهر به‌منظور پیشبرد مذاکرات صلح تنظیم شده، لیکن بخشی از مضامین آن تاسف‌آور است.» هاشمی در هفت بند به مجموع نامه‌های بی‌پاسخ صدام جواب می‌دهد. در این جواب ملاقات مستقیم بین روسای جمهور قویا رد می‌شود و تنها زمانی آن مفید ارزیابی می‌شود که مسایل کلیدی و مهم حل‌وفصل شده باشد. هاشمی‌رفسنجانی با انتقاد از اشغال کویت، درمورد گله صدام از کمک‌های ایران برای اطفای چاه‌های نفت کویت، می‌نویسد که در این مدت ما نشانه‌ای از اقداماتی که بیانگر حسن‌نیت شما باشد ندیدیم و ادامه اشغال خاک ایران تردیدهای جدی را نسبت به انگیزه و اراده به صلح از طرف شما ایجاد کرده است؛ در آخرین بند این نامه هاشمی با اتمام حجت برای معاهده الجزایر، پذیرش آن را تنها راه‌حل عملی اجرای صلح می‌داند.

نامه آخر

صدام در آخرین نامه خود تصمیمات خود را در چهار بند درخصوص آغازگری مبادله اسرا، سفر هیات‌های سیاسی میان تهران و بغداد و عقب‌نشینی مرزی از هفدهم اوت ۱۹۹۰ اعلام می‌کند. او می‌نویسد:

برادرعلی‌اکبرهاشمی‌رفسنجانی‌رییس‌جمهوری...

با این تصمیم ما، دیگر همه چیز روشن شده و به این ترتیب همه آنچه را که می‌خواستید و بر آن تکیه می‌کردید تحقق می‌یابد و دیگر اقدامی جز مبادله اسناد باقی نمی‌ماند تا با هم از موضع مسوولیت، نظاره‌گر واقعی حیات جدیدی سرشار از تعاون در سایه اصول اسلام باشیم، حقوق یکدیگر را محترم شمرده و بدین‌وسیله کسانی را که سعی می‌کنند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند از سواحل خود دور کنیم و چه‌بسا در جهاتی همکاری کنیم که در نتیجه آن خلیج [فارس] به دریاچه صلح و امنیت و عاری از ناوگان‌ها و نیروهای بیگانه که در کمین ما نشسته‌اند، مبدل شود. مضافا اینکه همکاری مزبور می‌تواند شامل جنبه‌های دیگر زندگی شود. الله اکبر ولله‌الحمد».

چهار روز بعد، رییس‌جمهور ایران در ۲۷مردادماه ۱۳۶۹ در آخرین و چهارمین پاسخ خود به صدام‌حسین، نوشت:

«نامه مورخه ۲۳/ ۵/ ۶۹ (۱۴ اوت ۱۹۹۰) جنابعالی دریافت شد. اعلام پذیرش مجدد معاهده ۱۹۷۵ از سوی شما راه اجرای قطعنامه و حل اختلافات در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ و تبدیل آتش‌بس موجود به صلح دایم و پایدار را هموار ساخت.

شروع عقب‌نشینی نیروهای شما از اراضی اشغالی ایران را دلیل صداقت و جدی بودن شما در راه صلح با جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آوریم و خوشبختانه در موعد مقرر آزادی اسرا هم آغاز گردید که امیدواریم عقب‌نشینی نظامیان شما طبق زمانبندی اعلام‌شده و آزادی اسرای دوطرف با آهنگ و سرعت هرچه بیشتر ادامه یافته و تکمیل گردد».

با پذیرش دوباره عهدنامه ۱۹۷۵ از سوی صدام، عراق پذیرفت تا به نشانه حسن‌نیت، عقب‌نشینی از اراضی اشغالی ایران را از روز جمعه ۲۶مردادماه ۱۳۶۹ برابر با ۱۷ اوت ۱۹۹۰ آغاز و به‌جز یک نیروی نمادین در کنار ماموران مرزبانی و انتظامی که برای ماموریت‌های روزمره در شرایط عادی باقی می‌ماند، نیروهای خود را از مناطق ایران در طول مرز فرا خواند.

نگاه

کنار «منتخب» مردم بمانیم

محمدرضا تابش
نماینده اردکان در مجلس

● انتخابات اخیر همان‌گونه که خواست رهبر معظم انقلاب بود با تیزبینی و البته شجاعت ایشان - در آن موقع که پیش‌بینی‌ها حاکی از مشارکت گسترده مردم در انتخابات نبود- که سال ۱۳۹۲را به نام سال حماسه سیاسی نام‌گذاری کردند، به حماسه حضور و مشارکت مردم مبدل شد. نقش رهبری آگاه در اطمینان به سلامت برگزاری انتخابات؛ عدم‌مداخله نهادهای غیرمسوول و اینکه کاندیدای خود را منتسب به ایشان نکند و فراخوان همه ایرانیان علاقه‌مند به پیشرفت و اعتلای کشور برای مشارکت در انتخابات؛ این حماسه را رقم زد والحق که مردم باز هم در این مقطع حساس و تاریخی به‌رغم نارضایتی‌ها و دلخوری‌ها به صحنه آمدند و به شعارها و خواسته‌هایشان که در کلام و بیان نافذ و قاطع دکتر روحانی متجلی بود رای دادند. در این مجال باید از متانت و ایثارگری دکتر عارف که در بر اجماع‌رسیدن اصلاح‌طلبان نقشی اساسی ایفا کرد، تجلیل کنم. انتخابات اخیر یک بازی برد- برد بود که هم حاکمیت از منافع آن بهره‌مند شد و هم مردم احساس پیروزی کردند. مردم بر اعتدال و عقلانیت و تدبیر که بن مایه پیشرفت و توسعه کشور و راه برون‌رفت از نابسامانی‌های فعلی است رای دادند و بر قانون‌گریزی و سلیقه‌گرایی، تقدم منافع جناحی و گروهی بر منافع ملی و تنش و تشنج در عرصه مدیریت کشور خط بطلان کشیدند. امروز کار انتخابات تمام شده اما آغاز راه دولت جدید است. تحریم‌ها شدت یافته، خزانه تهی است و مطالبات مردم برقرار و انتظارات بحق همه اقشار و اصناف و گروه‌ها از دولت جدید برآورده کردن خواست‌های آنهاست. مردم اگر توفیق دولت جدید را می‌خواهند باید از صحنه کنار نروند و در کنار دولت باشند و کمک کار وی و مطالبات و خواست‌ها را اولویت‌بندی کنند و متناسب با شرایط و مقتضیات زمان و در یک فرجه زمانی معقول انتظار برآورده‌شدن آنها را داشته باشند. دولت نیز باید آنچه را که در عرصه مدیریتی چه در عرصه داخلی و چه در عرصه خارجی قابل انجام است و به تحقق خواست‌ها و مطالبات مردم کمک می‌کند و محدودیت‌ها را کاهش می‌دهد و چرخ مدیریت کشور را روان می‌سازد انجام دهد.

دولت همانگونه که رییس‌جمهور منتخب محترم اعلام کرده‌اند فراجناحی است و از معتدلین هر دو جناح دعوت به همکاری کرده است. بنابراین کلیه احزاب و جناح‌ها علی‌الخصوص دو قوه دیگر باید در این مقطع حساس مدد کار دولت در ایفای مسوولیت‌های خطیرش باشند تا مردمی که راه دوستی و صلح و صفا و آرامش را در بیان خواسته‌هایشان برگزیده‌اند، سرخورده و مایوس نشوند. بی‌شک حمایت‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی که همواره حامی دولت‌ها بوده‌اند برای برون‌رفت کشور از وضعیتی که تحمل آن برای مردم سخت است مضاعف خواهد شد و لطف خداوند متعال در این ماه شریف بر مومنان این سرزمین پرافتخار فزونی خواهد گرفت و چشم‌اندازی امیدوارکننده برای آینده‌ای که نام ایران اسلامی عزیز بر تارک گیتی بدرخشد، ترسیم خواهد شد.

***سخنرانی در اجتماع قاریان قرآن در مسجد کوشکنوی اردکان**

نگاه

«نتانیاهو» اشک تمساح می‌ریزد

دیپلماسی تنها زمانی می‌تواند موفق شود که ما آماده برداشتن تحریم‌های کنونی شویم و مشوق‌های دیگری را به‌عنوان امتیازهای متقابل برای ایران مطرح کنیم. به‌علاوه، در مراسم ت